

## آشیانه در مه



«آشیانه در مه» داستانی برای نوجوانان است. شکور همراه خانواده اش از روستایشان به تهران کوچ کرده، اما هرسال پس از امتحانات خرداد همراه خانواده به آنجا و خانه اجدادی شان بازمی گردند. آن سال شکور در یک گشت و گذار روزانه صدای تبری می شنود و وقتی نزدیک صدا می رسد، جمشید پسر ارباب ده را می بیند که یک قرقی را شکار کرده. شکور که از کار جمشید عصبانی شده به فکر جوجه ها و لانه قرقی می افند و نمی تواند از فکر آنها بیرون بیاید و در نهایت تصمیم می گیرد...

## قصه های گل بهار



«قصه های گل بهار» داستانی برای کودکان و نوجوانان است. داستان دختر بچه ای بازیگوش به نام گل بهار. یک روز گل بهار همراه بره اش پایا به دشت می رود. پایا و گل بهار از روی رودخانه یخ زده رد می شوند و به طرف دیگر می روند که مجبور می شوند مدتی بمانند، همان موقع گل بهار متوجه می شود بهار آمده و هوا در حال گرم شدن است و ممکن است یخ های روی رودخانه آب شوند و نتواند به خانه اش برود...

## سیاه چمن



امیرحسین فردی در این «سیاه چمن» که در بهار سال ۱۳۵۸ آغاز می شود به روستایی به نام سیاه چمن می رود. روستایی در جنوب کهنوج که در آن به دستور ارباب روستا، چرانیدن گوسفندان در سیاه چمن ممنوع می شود و گوسفندان خانواده خیرمحمد در این میان یکی یکی تلف می شوند. فردی در این داستان با جزئیات تمام، زندگی سخت روستائیشان و ظلم اربابان را به آنها به تصویر می کشد.

خلوص، همان خصلت خاص او بود. او امامی را نشان می دهد که در فقه، اصول، اخلاق، عرفان و فلسفه با سن کم به درجه استادی رسیده، روح الهی که در جنبه های انسانی و شخصی رشد کرده، در مبارزات سیاسی و حتی درس های اخلاق با مردم همراه است و بر تکیه بر سخن خداوند، هر تغییری را بر همراهی مردم پایه گذاری کرده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند!

فردی همراهی مردم با حضرت روح الله را در حوادث مختلف کشور ایران به خوبی برای خواننده شرح می دهد. از «کشف الاسرار» کتاب امام خمینی می گوید که در سال ۱۳۲۳ منتشر شده که پرده از توطئه ها و خیانت های رژیم شاه درباره اسلام برداشته و طرح اندیشه حکومت اسلامی و ضرورت تشکیل یک چنین حکومتی را با مردم در میان می گذارد و از آنجاست که مهر امام در دل مردم و طلایی جای گرفت که او را ندیده و تنها به یک نام او را می شناختند.

او روح الله ای را به مردم نشان می دهد که حوادث تلخ روزگار دست از تلاش در دفاع از اسلام برنداشته و برای آن، سال های زیادی در تبعید گذرانده و حتی از جان فرزندش نیز گذشته و آن را از «الطاف خفیه الهی» خوانده است. آنچه که خیلی زود خود را در قیام مردم شهرهای مختلفی چون قم، تبریز، اصفهان و... نشان داد و دگرگونی و انقلاب در جامعه را تسریع بخشید. فردی که خود از نخست نویسندگان ادبیات انقلاب ۵۷ است و درون مایه داستان هایش را از انقلاب و پیرامون آن گرفته است، در کتاب خود به خوانندگانش، به ویژه خوانندگان نوجوانش گوشزد می کند با وجود گذشت صدها سال از زمان ائمه، دنیا هنوز هم آدم های خاص دارد؛ آدم هایی که جور دیگری به دنیا نگاه می کنند و جور دیگری رفتار می کنند و امام خمینی یکی از آن آدم های بسیار خاص دنیا بود. از همان هایی که از سویی با مردمان جامعه با مهربانی، تواضع، آرامش و طمأنینه برخورد می کنند و از سویی دیگر، با دشمنان اسلام و کشور ایران، به سختی و صلابت رفتار می کنند: «در احوالات خصوصی و خانوادگی امام شاهد رابطه لطیف او با کودکان و خدمتکاران هستیم. رابطه نزدیک و زیبایی امام با نوه کوچکش علی، توجه همه نزدیکان را به خود جلب کرده بود... اما همین امام مهربان در هنگامه های نفس گیر انقلاب و روزهای سخت جنگ تحمیلی، به عنوان یک رهبر مبارز و فرمانده کل قوا، با شجاعتی بی نظیر و شهامت مثال زدنی، فرمان مقاومت و یورش را به کانون های توطئه و سنگرهای دشمن صادر می کرد.»

«نویسنده ها عمدتاً شبیه زادگاه شان هستند»؛ همانطور که جلال برای ما همان عصبیت و خط کشی کوه های طالقان را دارد و شریعتی همان نگاه شورآفرین اهالی کویر به آسمان را!! و سبلان؛ این آهسته و پیوسته ترین کوه ایران زیبا و زادگاه امیرحسین فردی، تداعی گر انسانی است که در مسیر انقلاب، همیشه آهسته و پیوسته رفته است. سبلان برخلاف البرز و زاگرس، اضلاع خشنی ندارد و پر از پهن دشت و تپه های منحنی و مدور است، چون فرزندش، امیرحسین که به فرموده امام خامنه ای، از بنیانگذاران هسته های جوانان هنرمند انقلابی بود و با همان آرامش و آهستگی، زندگی حضرت روح الله را برای کودکان و نوجوانانی نشان می دهد که سال ها بعد از او متولد شده اند.

و بوسه های گرم او را بر گونه های لطیف خود احساس کند، چراکه او هنوز خیلی کوچک بود؛ همه اش چهار ماه پیش تر نداشت.

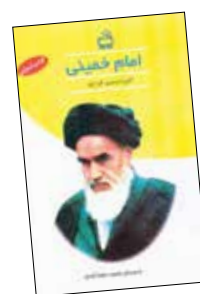
مشابه چیزی که پیشتر و در اوایل دهه هشتاد، در سریالی به نام «آفتاب و زمین» به مبارزات پدر امام پرداخته شد و در مقابل دید تماشاگران تلویزیون قرار گرفت؛ فردی نیز در بخش ابتدایی کتاب، به مبارزات پدر امام با خوانین منطقه اشاره کرده و خوانندگانش را با خود به کوهستان های اطراف خمین و اراک می کشاند. «بدین گونه، روح الله بدون داشتن خاطره ای از پدر، بزرگ می شود و تنها آوازه بزرگی ها و شجاعت های او را از اطرافیان می شنود و در ذهن کودکنه ای خود، سیمای مهربان، صدای گرم و نگاه نوازش گرش را مجسم می کند.»

امیرحسین فردی در کتاب «امام خمینی» کسی را نشان می دهد که با هوش و استعداد خدادادی اش توانسته در هفت سالگی قرآن را ختم کند و به فراگیری ادبیات عرب بپردازد. کسی که در نوزده سالگی از خمین به اراک می رود و به شاگردی استادی درمی آید که بعدها یکی از مهم ترین حوزه های علمیه اسلام را در شهر قم تأسیس کرد. نویسنده لایه لایه هجرت روح الله، از شرایط اجتماعی آن دوران نیز سخن گفته و توجه خواننده نوجوان را به انواع تجاوزگری های انگلیس و آمریکا معطوف می کند و از دلایل هجرت امام به قم سخن می گوید: «امام خمینی نیز در آن زمان به عنوان طلبه ای آگاه به مسائل سیاسی و حساس در برابر سرنوشت کشور، به نقشه شوم انگلیسی ها و شاه پی برد و به دنبال آیت الله حائری به قم آمد تا در این سنگر مهم هم، از اسلام و استقلال کشور دفاع کند.»

نویسنده از اتفاقاتی چون حذف قرآن و نماز از مدارس سخن گفته و از تعطیلی روضه خوانی ها و تخریب ها برای مخاطبانش گفته است. اتفاقاتی که باعث شده روحانیون از سراسر کشور به قم آمده و تحصن کنند. این تحصن را شاید بتوان اولین حضور سیاسی امام در تاریخ ایران خواند: «در آن تاریخ که به دلایلی، روحانیت و علمای دینی میل چندانی به فعالیت های سیاسی و مبارزاتی نداشتند و نمی خواستند در کار حکومت ها دخالت کنند. امام، به عنوان یک روحانی فاضل و باسواد، سعی می کرد چنین روحیه ای را در حوزه علمیه قم از بین ببرد و روحانیت را وارد صحنه مبارزه کند.»

امیرحسین فردی در کتاب «امام خمینی» خصوصیات اخلاقی و اعتقادی امام را نیز با زبانی ساده برایمان نوشته و روحیه مبارزه طلبی او را از جوانی و میانسالی به کودکی و نوجوانی او پیوند می زند و سال های حضور در خانه و شهر خمین و اراک را پایه گذار رشد اعتقادی و انسانی او معرفی می کند. فردی درباره تأثیر انقلاب، ثمره تلاش امام بر زندگی خود می گوید: «برای من و نسل من، پدیده انقلاب، مثل آرزویی دور و دراز و دست نیافتنی می نمود. دستیابی و تحققش را از محالات می دانستیم، ولی در عین حال، از سر تکلیف به اندازه توانی که داشتیم بر سر پیمان ایستادیم و برای وقوع آن تلاش کردیم و در ناباوری مطلق، اتفاق افتاد.»

فردی در کتاب کم حجم خود، نه تنها برای مخاطبان کم سن خود، که برای همه ما، روح الله ای را نشان می دهد که نه به خاطر جوانی، ماجراجویی و یا شهرت طلبی پا به میدان مبارزه گذاشته است، بلکه همه کاره اش را برای رضای خداوند انجام می داده و این



امیرحسین فردی در کتاب «امام خمینی» خصوصیات اخلاقی و اعتقادی امام را نیز با زبانی ساده برایمان نوشته و روحیه مبارزه طلبی او را از جوانی و میانسالی به کودکی و نوجوانی او پیوند می زند و سال های حضور در خانه و شهر خمین و اراک را پایه گذار رشد اعتقادی و انسانی او معرفی می کند